



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۳۶۸۲۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com

اخذ تضمین اشتغال برای
۶ هزار دانشجوی گلستانی



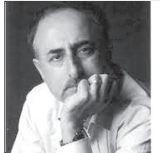
۳

ذخیره خونی در
گلستان ۱۰ روز است



۳

روزنامه تکار
حرفه ای



۵

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۱۲ / ۲۶۲۷ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

روزی روزگاری آزادگی

■ با مسوولیت سردبیر

سالها پیش در این خاک نبردی بود، جنگی سخت و جانگیر. سالها پیش مردانی برای دفاع از این خاک در برابر دشمنی ناجوانمرد که می خواست ناموس و حیثیت این خاک را تصاحب کند، ایستادند. برخی رفتند و برخی بازگشتند، برخی سلامتشان را از دست دادند و بعضی دیگر به اسارت دشمنانی در آمدند که امید به نابودی این آبادانی داشتند. آزادگانی که تمام وجودشان را وقف کردند تا تمام ایران بماند و مانند فردا بیست و ششم مرداد ماه و سالگرد روزی است که صدام مبادله اسیران ما را آغاز کرد و اولین گروه آزادگان، پس سالها بر خاک وطن بوسه زدند. اتوبوس هایی که مردانی سیه چرده و استخوانی را گویا از دل تاریخ برای ملت ما به ارمغان می آوردند، با بدنهایی رنجور، زخم دیده و تکیه برای ما پیام آور آزادی و آزادگی بودند، اما این صحنه ها تنها یک سوی این نمایشگاه بزرگواری و کرامت بود، سوی دیگر این نمایشگاه مادرانی بودند که تصاویر فرزندان و جگر گوشه های مفقود خود را به سینه چسبانده بودند و از هر اسیری خبری از گمشده و در راه مانده خود می گرفتند. پدران شهید داده ای که با بغض جاری در چشمانشان به استقبال آزادگان آمده بودند و با خود نجوای کردند و ملتی که سراپا شور و شوق بود و احساس اعتماد و یکپارچگی و اقتداری که در میان همه لایه های جامعه ایرانی احساس می شد، همه در آن هنگام ایرانی بودند و عشق ترجیح بند آنها بود، هنوز مروت و اخلاق بر معیشت مقدم بود و هنوز رفاقت ها بوی ادب و ایمان می داد و هنوز ...

اما امروز هر کدام از آن آزادگان در گیر و دار زندگی بعد از جنگ گرفتار شده اند، هر یک به گوشه ای رفته اند و دیگر آن حال و هوای عاشقانه از جامعه ایرانی رخت بر بسته است، آرمانها در پیچ و خم روزگار گم شده است و ساز و کمانچه ها از ساز و نوا افتاده است. و جامعه ایرانی در حسرت آن عاشقی ها مانده است. کاش آن عشق ورزی ها، برای توسعه ایران استمرار داشت و همان حال و هوا در خدمت به ایران و مردمانش در کوچه و خیابان جاری می شد، کاش مانند آن روزگار همه ما بودیم و به ایران و عظمت آن می اندیشیدیم تا روزگار بهتری برای ایران اکنون و آینده رقم می خورد.



۹۰ درصد کانال
آشور لایروبی شد
«۱۲»



کترین گوچه
«۱۱»



ادبیات
کودک و نوجوان
«۶-۷»

دور همی اهالی رسانه گلستان



استارباد، میرداماد، ترکمن دیار و ... را از مطالب خود بهره مند سازند. مهشید گودرزبان به عنوان سخنران بعدی که در کارنامه خود سابقه همکاری با ستاره گلستان، گلشن مهر و برخی نشریات دیگر را دارد، گفت: اواخر سال ۸۴ و اوایل ۸۵ در روزهایی که به تعبیر خودم ماههای پایانی فصل بهار مطبوعات بود به فضای رسانه ای مکتوب استان اضافه شدم. روزهایی که هنوز آدم حسابی های این حرفه حضور داشتند، هنوز اشتیاق بود، انگیزه و رغبت وجود داشت و هنوز شهر اینچنین از صدا پر و از سخن تپه، نشده بود! من هم یک جوان بیست و سه چهار ساله و تازه کنده شده از محیط دانشجویی بودم که هنوز آن هوای آرمانخواهی دوران دانشجویی همراهش هست و کار در رسانه برایش به لحاظ فرم و محتوا هنوز همان شکل خاص نشریات دانشجویی دوره اصلاحات را داشت. گودرزبان ادامه داد: این امتیاز و شانس بزرگی بود که با آدمهایی کار کنم که سعه صدر، تحمل بالا، مدارا و مراعات و رواداری شاخصه آنها بود.

ادامه در صفحه ۲

در مسیر توسعه استان منشا اثر شدند. وی ادامه داد: در آن سال های شروع فعالیت روزنامه نگاری در استان با وجود مشکلاتی همچون محدود بودن امکانات چاپخانه ها، تعداد کم صفحه آرها، نبود آرشو عکس، نبود گوشی های هوشمند، و ... مشکلات کار دوچندان بود اما با توجه به فضای جامعه، دغدغه مندی دوستان، و میل آنان برای رقم خوردن اتفاقات خوب، عزیزان با انگیزه فراوان در صحنه حاضر بودند و به مطبوعات نه به عنوان سیستمی برای کسب درآمد، بلکه به مثابه ابزاری برای بیان دغدغه ها و رفع موانع و رقم خوردن اتفاقات خوب برای استان می نگریستند. نویسنده کتاب زنبلق ادامه داد: بسیاری از دوستان عزیز حاضر در این جمع در فراز و نشیب های روزنامه نگاری در استان به پختگی اجتماعی رسیدند و بعدها در مصادر سیاسی، اداری و آزاد منشا اثر شدند. وی به دست اندرکاران یادآور شد: اگر چه امروز بسیاری از نشریات آن سالها فعال نیستند، لیکن انتظار است بزرگواران اهل قلم لاقفل از نشریات فعال فعلی که عمده مطالبشان تولیدی است حمایت کرده و مجموعه هایی مانند گلشن مهر،

محمد جواد مکتبی - عصر دوشنبه نهاد مدنی سرای فرهنگ و رسانه گلستان میزبان جمعی از پیشکسوتان و فعالان روزنامه نگاری و رسانه ای گلستان در سالن نگاه تالار فخرالدین اسعد گرگانی بود. خوشبختانه برخلاف بسیاری از نشست ها، اهالی رسانه به وقت حاضر بودند و جلسه با اجرای رحمت اله رجایی پژوهشگر و روزنامه نگار گلستانی و مدیر مسوول فصلنامه هیرکان آغاز شد. او از علی نصیبی به عنوان اولین سخنران دعوت کرد و علی نصیبی روزنامه نگاری که سابقه همکاری با نشریات دانشجویی در دوران دانشجویی و سپس هفته نامه های گلستان ایران، سلیم و گلشن مهر را داشته است، با نگاهی به سیر تاریخی انتشار هفته نامه ها و نشریات از چگونگی انتشار آنها سخن گفت. نصیبی گفت: عزیزی که در جمع حضور دارند، متعلق به نسل اول و دوم روزنامه نگاران بعد از شکل گیری استان هستند و اصطلاحا به طور خلاصه میتوان از آنان به عنوان "فعالان با سابقه مطبوعات" نام برد. بزرگواریانی هستند که علیرغم موانع اجتماعی، فنی و ... روزنامه نگاری در استان، بسیار خوش درخشیدند و بعضا حتی

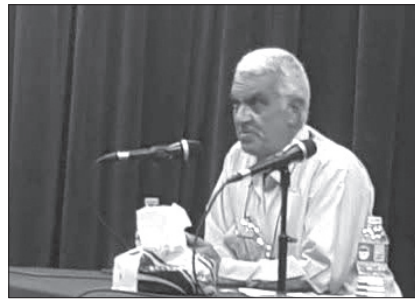
دوره می اهالی رسانه گلستان

خبر

مهری و بنی فاطمه در گلشن مهر



مشکلات شهری گرگان را تنها با همراهی همه رسانه های تاثیر گذار، می توانیم سامان دهیم. رییس شورای اسلامی گرگان در دیدار از گلشن مهر با اعلام این مطلب افزود: ترافیک، حاشیه نشینی و آمایش ناهمگون جمعیت در منطقه های مختلف گرگان از مشکلات شهری گرگان است و باید برای آن چاره ای اندیشید. وی وضعیت معیشت اقتصادی را مسبب افزایش دستفروشی در گرگان عنوان کرد که باید برای حل آن همه دست به دست هم دهند تا بتوانند امورات را پیش ببرند. مهندس مهری در بخش دیگری از سخنانش به جایگاه گلشن مهر به عنوان یک رسانه تاثیر گذار اشاره کرد و استمرار بیست و پنج سال فعالیت روزنامه را نشانه برنامه ریزی حساب شده و دقیق از سوی بنیان روزنامه عنوان کرد و خواستار همکاری بیشتر با گلشن مهر شد. مدیر مسوول روزنامه نیز ضمن قدردانی از شورای شهر گرگان و ارائه گزارشی از وضعیت روزنامه، آمادگی این رسانه را برای همکاری هر چه بیشتر اعلام کرد. در دیدار دیگری سید حسام بنی فاطمه، مدیر حوزه هنری گلستان ضمن تبریک روز خبرنگار به برنامه های حوزه هنری در سه سال آتی اشاره کرد و راهبردهای حوزه هنری را در کشف استعدادها و پرورش نخبگان تبیین کرد و از گلشن مهر به عنوان نشریه ای فراتر از جریانهای سیاسی قدردانی کرد. در این دیدار نیز مریم قرآنی، مدیر مسوول روزنامه گزارشی از تلاشهای بیست و پنج ساله گلشن مهر ارائه دادند.



روزنامه سلام می رسد نیز با ذکر خاطره ای از پیگیری خبری درباره معوق ماندن حق التدریس معلمان در روزنامه سلام و انتشار آن و پرداخت حقوق معلمان در آن زمان به واسطه انتشار آن، خبر داد و نقش تاثیر گذار مطبوعات در آن دوران را نشان می داد. عقیل مهقانی عکاس گلستانی از تصویر سازیهای خود و دوستانش از خلیج گرگان یاد کرد و گفت: همان اتفاق امروزه ممکن است بر سر جنگل های هیرکانی بیاید. وی در تعریضی گفت با آنکه آن همه از خلیج گرگان تصویر گرفتیم اما در سفر رییس جمهور به ما اجازه همراهی با ایشان در خلیج گرگان را ندادند. وی به نسل موفق عکاسی در مطبوعات گلستان اشاره کرد و از دست اندرکاران خواست تا برنامه ای برای پرورش عکاسان خبری در گلستان بیندیشند. لطیف ایزدی مدیر مسوول ترکمن دیار و سایت الکا میز هم با بیان خاطراتی از ناز محمد پقه پرداخت. وی از دوران همکاری با گلشن مهر و از تولید محتوا در صفحه ترکمنی این روزنامه گفت. محمد آریان نیا نیز درباره اهمیت و جایگاه حاضران و تاثیر گذاری این جمع در فرایند مطبوعات گلستان گفت و یادآور شد در روزگاری که بسیاری از بندگان زر و زور فضای رسانه ای را اشغال کرده اند وجود چنین نشستهایی معتنم است. امیر عبدالسلام میهنی مدیر مسوول هفته نامه سلیم هم با بیان خاطراتی شنوندگان را به دو دهه قبل برد و از روزگاری گفت که قرار بود مطبوعات گلستان یک صفحه سفید در اعتراض به زندانی شدن مدیر گرگان امروز منتشر کنند و همه کار خود را انجام دادند جز سلیم و خاطرات تلخ و شیرین آن روزها را به خاطر آورد. زهرا بهرامی خبرنگار سالهای دور هم خاطراتی از دوران همکاری با رسانه ها برای جمع بازگو کرد. در نهایت جواد قربانی، معاونت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی که به همراه ایرج رضیانی، رییس اداره رسانه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدا در جلسه حضور داشتند در سخنان کوتاهی از برگزاری چنین نشست هایی قدردانی کرد و اضافه کرد: باید برگزاری نشست هایی که جز هزینه فایده ای برای فرهنگ ندارند را کنار گذاشت و تلاش کرد تا نسلی کار آمد و شایسته تربیت کرد. در این نشست مدیران گلشن مهر، گلستان سلام، ترکمن دیار، گل صحرا، اقتصاد گلستان، جرجان، گرگان زمین و برخی فعالان مجازی حضور داشتند.

داد در حالی که این کار نشدنی بود و هست. حقیقت این است که تنها کاری که می شود کرد تنها و تنها "افزایش امکان خیر" است در جهانی که شر می تازد. این مفهوم را اگر در دنیای سیاست، در فرهنگ، در هنر، در اجتماع و هر عرصه و میدان دیگری ببرید، می بینید که این اصل چه قدر حرف دقیقی هست. گودرزبان در تعریضی به این روزهای اهالی رسانه نیز گفت: در حوزه رسانه هم به صورت خاص، و در رسانه استان به صورت اخص بی تعارف شاهدیم بر آنچه که دارد اتفاق می افتد و حاجت به بیان نیست. حالا در چنین اتمسفری چه کاری از ما برمیاید؟ هیچ کاری، جز زور زدن برای افزایش امکان

حضور این آدمها بود که من را سالها در این عرصه نگه داشت و باعث شد که همه داشته ها و دانسته هایم را برای تولید محتوا و مطلب به کار بگیرم. وی درباره ستاره گلستان گفت: فراموش نمی کنم که مهندس نیرومند در حالی که خیلی وقتها واقف بود آنچه که برای نوشتن انتخاب کردم ریسک و تبعاتی همراه دارد، اما با بزرگواری کوتاه می آمد، برای اینکه انگیزه من افت نکند. گودرزبان ادامه داد: در نشریات دیگر هم این اتفاق رخ می داد. رقابت بر سر تولید محتوا در آن سالها اصلا چیزی نبود که بشود نادیده گرفت. گلشن مهر، سلیم، گلستان سلام و دیگران هر کدام در تولید محتوا غولی بودند و علاوه بر این که دیدن اینهمه مطلب نو و جدید در هر هفته آدم را به وجد می آورد در عین حال هم مدام فکر می کردیم چه کنیم که در این فضای رقابتی جا نمانیم. این روزنامه نگار پیش کسوت ادامه داد: من توانستم صفحه زنان را در ستاره گلستان راه بیندازم. آن زمان ایمان مظفری صفحه زن را در گلشن مهر، خیلی حرفه ای کار می کردند و در ادامه با پیشنهاد همان حلقه دوستان، ما یک صفحه با عنوان زنان را به نشریات مکتوب استان اضافه کردیم، اگر چه خیلی آماتور بود، اما به دنبال راه اندازی آن صفحه، با آدمها و اسامی بزرگی در استان همراه و هم نشین شدم که بعضا جهان بینی و نگاه من را به مسائل تحت تاثیر قرار داد. گودرزبان افزود: همراهی با آدمهای کار بلد، که اون روزها لازم نبود با ذره بین دنبالشان بگردی، به من یاد داد اگر خبرنگار نیستم، ناخبرنگار هم نباشم. فکر نمی کردم آن خط کش و سنجه ای که آن وقتها در لابلای روزهای شلوغ دستم آمده است، یک روزی به کارم بیاید، اما متأسفانه یا خوشبختانه به کار آمد. ما یاد گرفتیم، چه چیزی خبرنگاری نیست. یاد گرفتیم خبرنگاری، مخبری نیست، این یک کاری است و آن کاری دیگر. یاد گرفتیم روزنامه نگاری، شب نامه نویسی نیست. ادبیات و لحن شب نامه نویسی یک چیزی است؛ کلام سفید و پاکیزه روزنامه نگاری چیز دیگری. یاد گرفتیم انتقال تراوشات و اطلاعات برآمده از گدغه های سبزی پاک کنی خبرنگاری نیست، پشتوانه استدلالی و استنادی نیاز است و یاد گرفتیم عملگی خبر، خبرنگاری نیست. خبرنگاری چیزی است و عمله خبر بودن چیز دیگری. مهشید گودرزبان ادامه داد: استاد فلسفه ای داشتیم که یک بار جایی گفتند اشتباه جهان مدرن بر این بود که تمرکز و هم و غمش را بر ریشه کن کردن شر قرار

باید برگزاری نشست هایی که جز هزینه فایده ای برای فرهنگ ندارند را کنار گذاشت و تلاش کرد تا نسلی کار آمد وشایسته تربیت کرد

خیر از این طریق که: اگر رفته ایم برگردیم... اگر حذف کرده ایم چه خودمان را و چه دیگرانی را، اضافه کنیم... اگر قهر کرده ایم چه خودمان و یا قهرانده ایم دیگرانی را، صلح کنیم... ما هیچ گریز و گزیری نداریم جز ماندن و ادامه دادن و امیدواری. در جهانی که شر هرگز متوقف نمی شود ما امکانی با شایسته برای افزایش خیر و دست کم رسالتمان را در کاهش سرعت تاختن شر ایفا کنیم. در ادامه جلسه حامد اخوان طنز نویس و صاحب ستون ناترینگ در دهه هشتاد در گلشن مهر به خاطره گویی و خواندن چند ناترینگ از ناترینگ های منتشر شده در گلشن مهر پرداخت و عصر گرم تابستان را خنکا بخشید. روح اله کلاتری، مدیر مسوول آفتاب گلستان و از روزنامه نگارانی که سابقه فعالیتش به همکاری با

گلشن مهر

۰۱۷۳۳۲۲۵۱۳۱۶

۰۱۷۳۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۳۲۲۴۱۱۹۵



خبر

ذخیره خونی در گلستان ۱۰ روز است



مدیرکل انتقال خون گلستان از ذخیره خونی هزار و ۶۸۶ واحد خون در گلستان خبر داد و گفت: ذخیره خونی در گلستان ۱۰ روز است. به گزارش روابط عمومی، فاطمه محمدی اظهار کرد: با فرا رسیدن ایام ماه محرم طرح نذر پویش خون با عنوان «اهدای خون، فرهنگ حسینی، نذر عاشقان» در استان گلستان اجرایی شد که این طرح تا پایان ماه صفر ادامه دارد. وی با اشاره به اینکه ۲۱ هزار و ۱۶۲ نفر مرد با مراجعه به پایگاه‌های انتقال خون در استان خون خود را اهدا کردند، افزود: بیشترین اهدا گروه خونی مربوط به A+ است. مدیرکل انتقال خون گلستان از ذخیره خونی هزار و ۶۸۶ واحد خون در گلستان خبر داد و گفت: ذخیره خونی در گلستان حدود ۱۰ روز است. محمدی اظهار کرد: اکنون پنج مرکز ثابت در شهرهای گرگان، گنبد، بندرگز، علی آباد و کردکوی و ۳ تیم سیار در گرگان و گنبد فعال هستند.



۹۴۰۰ تن انواع کود شیمیایی ذخیره شده است



مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون میزان ۹ هزار و ۴۰۰ تن انواع کود شیمیایی در استان ذخیره شد. به گزارش روابط عمومی، سیدصمد ضیایی اظهار کرد: طی چهار سال اخیر ۲۵ طرح تولید کودهای فسفاته و پتاسه توسط شرکت خدمات حمایتی کشاورزی کشور طراحی شده بود که در سال ۱۴۰۱ بخشی زیادی از این طرح‌ها اجرایی شد. وی افزود: این رقم در سال گذشته ۶ هزار و ۵۰۰ تن بوده است. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان با بیان اینکه در هر تن برداشت گندم ۳۰ کیلوگرم فسفر و ۲۵ کیلوگرم پتاس از خاک برداشته می‌شود، گفت: لازم است این میزان مواد مغذی دوباره برای رشد گیاه به خاک بازگردانده شود. وی تاکید کرد: اگر بخواهیم در برنامه کشت قراردادی، کشاورزی پایدار داشته باشیم باید مصرف این کودها را جزو برنامه‌های اصلی قرار دهیم چرا که اگر این کودها به اندازه کافی به خاک تزریق شود در مواقع کاهش بارندگی و تنش‌های خشکی گیاه مقاوم‌تر خواهد بود.

وی با اشاره به تصمیمات این جلسه، گفت: به روزرسانی نقشه تعیین حریم سال ۶۳ خورشیدی، به روزرسانی محدوده عرصه و حریم در نقشه موجود و تدقیق آن، تدوین ضوابط ساخت‌وساز در محدوده عرصه و حریم شهر، اخذ مجوز کاوش باستان‌شناسی به‌منظور تعیین عرصه و حریم و تهیه عکس‌های هوایی به‌منظور مشخص کردن محدوده عرصه و حریم از اهم مصوبات جلسه بازنگری حریم شهر باستانی جرجان (گرگان) بود. معاون میراث‌فرهنگی گلستان یادآور شد: برای بازنگری حریم شهر باستانی جرجان نیاز است تا پس از ارائه و تصویب آن در شورای حریم میراث‌فرهنگی استان، در شورای حریم کشور ارائه و مورد تصویب قرار گیرد تا پس از ابلاغ جایگزین طرح فعلی و ملاک اقدامات قرار گیرد.

است. معاون میراث‌فرهنگی گلستان خاطرنشان کرد: محدوده عرصه شهر باستانی جرجان طبق نقشه‌برداری سال ۶۳ در حدود ۷۰۰ هکتار بوده و از آن سال دارای حریم مصوب است. وی افزود: توسعه شهری در محدوده شهر باستانی جرجان بسیار زیاد بوده است و نقشه سال ۱۳۶۳ بنا به دلایل یادشده در طرح تفصیلی شهری به‌اشتباه جانمایی شده است و این موضوع موجب شده تا در طرح‌های توسعه و تفصیلی گنبدکاووس این نقشه ملاک دقیقی برای مدیریت شهری نباشد. حسینقلی‌زاده بیان کرد: در این راستا نخستین جلسه بازنگری حریم شهر باستانی جرجان (گرگان) در مردادماه سال جاری با حضور اعضای شورای باستان‌شناسی اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان گلستان برگزار شد.

معاون میراث فرهنگی، اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گلستان از بازنگری حریم شهر باستانی جرجان (گرگان) خبر داد. به گزارش روابط عمومی، مرتضی حسینقلی‌زاده گفت: با توجه به این‌که خط ترسیمی حریم شهر باستانی جرجان (گرگان) حدود ۴۰ سال قبل به‌صورت شماتیک تهیه‌شده و پیاده‌سازی آن بر روی نقشه‌های فعلی دشوار و در نتیجه اقدام و برداشت سلیقه‌ای نیز در ادوار گذشته به وجود آمده که نیازمند بازنگری است. وی افزود: شهر باستانی جرجان (گرگان) در دوره ساسانی و همچنین سده‌های سوم تا هفتم هجری یکی از آبادترین شهرهای ایران در دوره اسلامی بوده، که امروزه بقایای آن در شهر گنبدکاووس برجای مانده

حریم شهر باستانی جرجان بازنگری می‌شود

اخذ تضمین اشتغال برای ۶ هزار دانشجوی گلستانی



جامع این دانشگاه گفت: در گذشته بنا به دلایلی آزمون صنایع سازمان سنجش کشور که در پایان هر دوره از

رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی گلستان گفت: برای اولین بار در استان برای ۶ هزار دانشجوی تضمین اشتغال اخذ شده است. به گزارش روابط عمومی، حسن خان احمدی اظهار کرد: اخذ تضمین اشتغال برای دانشجویان از مراکز و سازمان‌های مرتبط اساس فعالیت این دانشگاه است. وی با بیان اینکه این دانشگاه از کم هزینه ترین دانشگاه‌های حضوری غیر دولتی است، افزود: این دانشگاه با بکارگیری علمی که دانشگاه‌های تراز اول کشور ایجاد کرده‌اند، برای دانشجویان خود شغل و مهارت‌های کاربردی ایجاد می‌کند. رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی گلستان با تاکید بر لزوم احیای آزمون



آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به برگزاری تبلیغات محیطی سطح شهر (لایت باکس) را با مبلغ برآورد اولیه سال اول ۱۱/۳۵۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۱۴/۷۵۷/۶۰۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۲۶/۱۰۹/۶۰۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه‌ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳ ۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد ضاسیدانگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۴۹۷۷۳



آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به برگزاری تبلیغات محیطی سطح شهر (پل‌های هوایی) را با مبلغ برآورد اولیه سال اول ۴۷/۱۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۶۱/۳۳۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۱۰۸/۴۹۵/۶۰۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه‌ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳ ۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد ضاسیدانگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۴۹۷۷۸

مسوولان به مشق شب توجه کنند

حجت شاه محمدی



اداره بهزیستی کلاله که وقتی برای دریافت اقامت ویژه یک روشندل (کاغذ و قلم بریل) به مدیریت مراجعه نمودیم، از ما (خواهرم و بانوی ترکمن و خودم) خواسته شد به خانواده‌های تحت پوشش مراجعه نکنیم و حتی از دادن آدرس محل تهیه اقامت هم خودداری کردند. خدا را شکر

نیازمندی‌های این عزیز روشندل را به راحتی پیدا و تهیه کرده بدون منت اداره مربوطه به روشندل عزیز رساندیم. مشق سبزه به هیچ نهاد و گروهی وابسته نیست و تمام هزینه‌های خود را از ۱۰ بانوی دلسوخته و عاشقی دریافت می‌کند که خانه‌دار و یا بازنشسته‌اند. دغدغه این بانوان گرامی، مشکلات و کمبودهایی است که می‌توانند برای ادامه تحصیل عزیزان مرز نشین مانع ایجاد کرده و حتی نخبه‌گان روستایی را از ادامه تحصیل بازدارند. لذا به هر شکل موجود تلاش دارند با صرفه‌جویی و یا کوچکتر کردن سفره معیشتی خود، به برکناری موانع موجود بپردازند. به همین علت است که در مجموع ۴ سال گذشته، مشق سبزه توانسته است برای حداقل ۳۰۰ دانش آموز نیازمند، نوشت‌افزار، کیف، کفش، لباس هزینه ثبت‌نام، خرید کتابهای درسی و حتی در بعضی از شرایط، رسیدگی به امور بیماری‌های خانواده و بارفوق مشکلات اداری آنان اقدام نماید. مشق سبزه این افتخار را دارد که با پشتیبانی خود توانسته است ۵ دانش آموز را تا ورود به دانشگاه همراهی کند و در طی سال جاری این تعداد را به ۱۰ نفر برساند. نکته قابل توجه در این سالها این است که؛ مشق سبزه بواقع دلسوز جامعه و مردم خود بوده و برای برطرف کردن معضلات، بی‌آنکه مسئولیت مستقیمی نداشته باشد، هر جا که توانسته است از خود اثری بجای گذاشته است. پرچم افتخار این گروه، پیگیری‌های بی‌دری برای ساخت مدرسه روستای عرب‌لاله‌گون است که

زندگی دانش آموزان روستاهایی پرسوجو می‌کنیم که شاید (تاکید میکنم؛ شاید) مسئولین همان منطقه خبر از شرایط ناگوار آنان نداشته باشند، لذا در تعامل با یکدیگر توانستیم حتی به کمک عزیزان زحمت‌کش در کمیته امداد و یا اداره بهزیستی همان شهرستان برویم. نمونه بارز این

ادعا، کمیته امداد شهرستان گنبد به ریاست محترم آقای کریمان است که سال گذشته بیش از ۱۲ روستای تحت پوشش کمیته امداد را به مشق سبزه سپردند تا در حد توان به دانش آموزان آن روستاها کمک نماییم. در بررسی نهایی توانستیم در دونیت به تعداد ۲۲ دانش آموز از روستاهای؛ قورلیجه، روستاهای فیضیه ۱ و ۲، روستاهای توحید ۱ و ۲، روستاهای ابودر ۱، ۲ و ۳، روستاهای سلمان فارسی ۱ و ۲، بسته‌های آموزشی، شامل نوشت افزار و کیف اهدا نماییم. مشق سبزه بر اساس توافق اعضا، خود را تنها موظف به پشتیبانی از دانش آموزان روستاهای مناطق مرزی می‌داند، با این حال اگر در جایی و در زندگی عزیزان روستایی به مشکلی برخوردیم که توان ادامه تحصیل دانش آموز را تحت تاثیر خود قرار داده است، لایق دانستیم که بی‌منت قدم پیش گذاشته و آنان را از رنجی که گرفتار آن هستند، رهایی بخشیم. سفرهایی که طی ۴ سال گذشته از تهران و کرج آغاز می‌شد و باید تک تک روستاهایی را که نام بردم دربر می‌گرفت، هزینه‌های سنگینی را به گروه تحمیل می‌کرد. برای این منظور به هر مسئولی در منطقه رسیدیم، عاجزانه درخواست کمک کردیم تا به هر طریق ممکن قدری از بار سنگین مالی را برای ما کم کنند تا مشق سبزه مجبور به حذف دانش آموزان تحت پوشش خود نگردد. امانه تنها کمکی دریافت نکردیم، بلکه مورد بی‌مهری نیز قرار گرفتیم. از جمله

گاهی اوقات اتفاقاتی می‌افتد که این سرزمین زیبا و چهار فصل رو از تعادل در پرواز خارج میکند. برای نوشتن چند کتاب با موضوع دفاع مقدس و انجام تحقیقات درباره آنها، تقریباً از سال ۱۳۹۷ پای من به صورت مستمر به این استان باز شد. ضمن جست‌وجو و انجام مصاحبه‌های مورد نیاز، با شرایط سخت زندگی بخشی از مردم این استان نیز آشنا شدم. زمانی که در اصفهان مشغول خدمت بودم، مسئولیت صندوق خیریه‌ای به نام شهید (احمد نجاریان-اولین خلبان شهید هوانیروز) را بر دوش می‌کشیدم که با دیدن شرایط زندگی مردم گنبد و روستاهای اطراف آن به دنبال فرصتی می‌گشتم تا بتوانم از وجود آن برای رفع مشکلات خانواده‌های بی‌بضاعت استفاده کنم. این خواسته، چند ماه بعد از سیل آق‌قلا (اسفند ماه ۱۳۹۸)، برای اجرای نادر خواهرم شکل گرفت و اولین گامی شد تا با کمک عزیزان همیار، گروه «مشق سبزه» تشکیل گردد. مدتی بعد با بررسی‌های بهتر به این نتیجه رسیدیم که با گردآوری همیاران بیشتر، این گروه خیراندیش را گسترش دهیم تا بتوانیم به کمک دانش آموزان کم‌برخوردار مناطق مرزی برویم. بر اساس این خواسته، مشق سبزه با کمک یکی از دوستان سپاهی که با روستاهای نوار مرزی از جنبه اقتصادی و شرایط نامطلوب زندگی ساکنین آنجا آشنا بود، شروع به فعالیت نمود. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۹۸ گروه مشق سبزه با پوشش دبیرستان نمونه مردمی کوثر در آق‌قلا، مجموعه شبانه‌روزی دخترانه در انبارالعلوم، دبستان اقبال لاهوری در روستای حبیبی‌ایشان، مجموعه شبانه‌روزی محمد رسول‌الله در روستای عرب قره‌حاجی، دبستان شهید قربانی در روستای عرب‌لاله‌گون، دبستان روستای نامتلو از روستای فندر سگک، و دانش آموزان پراکنده‌ای از روستای صحنه آق‌قلا، گرائیلی کلاله و تعدادی از دانش آموزان اطراف شهرستان گنبد و با ظرفیت بیش از ۸۰ دانش آموز نیازمند (بی‌سرپرست، بدسرپرست و کم‌برخوردار)، فعالیت خود را در مناطقی از استان گلستان آغاز نمود و تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۳ ادامه خواهد داد. اگر مطالب فوق را به صورت یک کارنامه و یا عملکرد به مسئولین هر شهر و روستایی بدهیم، ابتدا این پرسش را از مشق سبزه می‌کنند که چرا از فعالیت‌های ما بی‌خبرند و ما تحت چه مجوزی اقدام به فعالیت در چنین منطقه وسیعی نموده‌ایم. منطقه‌ای که در سال تحصیلی جاری، با افزوده شدن روستاهای نارلی آجی سو و کورک، از روستای مرزی اینچه‌برون آغاز و به آخرین روستای شهرستان مراوه‌تپه ختم می‌گردد. ۴۰ سال است که بطور مداوم و حتی در زمان تعطیلی مدارس، حقیر (نویسنده این مطلب) همراه با خواهرم و بانویی از قوم ترکمن، از شرایط سخت

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۸۷۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۷۹۸ تقاضای آقای حامد مولودی به شماره شناسنامه ۳۰۵ و کد ملی ۲۱۲۱۶۶۰۰۶۲ صادره از گرگان فرزند مجید اله در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۲۹- اصلی واقع در اراضی و رهن علیا بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی حسینعلی بالارستانی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

مهدی شاه مهری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۵۲۹۶۹۰

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۲

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می‌دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رای جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می‌شود:

۱- رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۱۶۲ در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۷۹۸ در پلاک شماره ۲۲۹- اصلی واقع در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۰۰ مترمربع دارای پلاک شماره ۱۷۰۱ فرعی از ۱- اصلی واقع در گلستان بخش ۸ حوزه ثبتی ملک رامیان که انتقال ملک مع‌الواسطه (برابر کد ۹۷۷) مجموعه بخشنامه های ثبتی (از مالک رسمی (آقای جعفر یازرلو). در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا یا ذکر کلاسه

پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهند. در این صورت اقدامات ثبتی، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مباردت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ (چهارشنبه)

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱ (شنبه)

مجتبی گلچین - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک رامیان - م الف: ۹۸۱۸

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۸۸۲ و رای اصلاحی شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۱۷۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۷۹۸ تقاضای آقای علی زارعی به شماره شناسنامه ۵۹۹ و کد ملی ۲۱۲۱۶۶۵۵۴۵ صادره از گرگان فرزند غلامرضا در شش‌دانگ اعیانی یک باب ساختمان بانضمام چهار و نیم دانگ شمش از شش‌دانگ عرصه که جهت یک و نیم دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۷۷/۸۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

مهدی شاه مهری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۵۳۸۷۰۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۳۸۸۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه

بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۲۸۰۰۰۰۰۹۳ تقاضای آقای علی ایثاری فرد به شماره شناسنامه ۳۶ و کد ملی ۲۱۲۱۶۶۲۷۱ صادره از گرگان فرزند حسن در شش‌دانگ اعیانی یک باب ساختمان بانضمام چهار و نیم دانگ شمش از شش‌دانگ عرصه که جهت یک و نیم دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۴۲۷/۵۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۲- اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی محمدباقر مشک ریز به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

مهدی شاه مهری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - م الف: ۱۶۳۳۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۴۴۷ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۲۸۰۰۰۰۰۳۶ تقاضای خانم ملک نساء کیانی به شماره شناسنامه ۳ و کد ملی ۲۲۲۹۳۴۱۰۱۰۱ صادره از کردکوی فرزند ولی اله در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۹۷/۳۸ مترمربع واقع در اراضی شهری از پلاک شماره ۱۳۵۶- اصلی بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی خانم خاوربیک مفیدیان به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

مهدی شاه مهری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۵۳۹۸۳۳



خبر

رشد ۱۰ برابری اعتبارات به مجتمع پرورش میگو گمیشان



مدیرکل شیلات گلستان از رشد ۱۰ برابری اعتبارات تخصیص یافته به مجتمع پرورش میگو گمیشان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، اسماعیل جبجاری از رشد ۱۰ برابری اعتبارات تخصیص یافته به مجتمع پرورش میگو گمیشان خبر داد و اظهار کرد: مسائل و مشکلات پیرامون تأمین خوراک مورد نیاز مزارع پرورش میگو استان از اولویت‌های اصلی اداره کل شیلات محسوب می‌شود و پیگیری‌های لازم با هماهنگی سایر دستگاه‌ها انجام خواهد شد. وی افزود: تأمین ۵۰۰ تن نهاده سویا جهت حمایت از کارخانه‌ها و تأمین خوراک مزارع با هماهنگی شیلات و استانداری در دستور کار قرار گرفت. مدیرکل شیلات گلستان با تأکید بر آمادگی پرورش دهندگان برای صید اضطراری گفت: با توجه به تجربیات گذشته انتظار داریم پرورش دهندگان آمادگی حداکثری در تمامی جوانب جهت برداشت اضطراری و موفق داشته باشند و در این خصوص شیلات و دامپزشکی نیز همکاری و حمایت لازم را خواهند داشت.

«»

تصادف کامیون و سواری سه نفر را به کام مرگ فرستاد



رییس پلیس راه فرماندهی انتظامی گلستان گفت: بر اثر برخورد یک دستگاه کامیون و یک دستگاه پژو سواری ۴۰۵ در کمربندی شهرستان علی‌آباد کنول، سه عضو یک خانواده جان خود را از دست دادند. به گزارش روابط عمومی، محمود شهرکی اظهار کرد: برابر اعلام مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره تصادف منجر به فوت در مسیر کمربندی علی‌آباد بلافاصله تیم گشت کارشناسی در محل حادثه حضور پیدا کرد. وی بیان کرد: پس از بررسی بعمل آمده و آثار و علائم موجود، مشخص شد، یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ با یک دستگاه کامیون کمپرسی کاویان که هر ۲ هم مسیر بودند به شدت با یکدیگر برخورد کرده‌اند. رییس پلیس راه فرماندهی انتظامی گلستان تصریح کرد: در این برخورد راننده و ۲ نفر از سرنشینان سواری پژو ۴۰۵ در دم فوت کردند. شهرکی علت تصادف را عدم توجه به جلو از سوی راننده سواری پژو ۴۰۵ (نقض ماده ۱۸۰ آیین نامه راهنمایی و رانندگی) عنوان نمود. وی در ادامه از رانندگان خواست هنگام رانندگی، قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نمایند تا شاهد اینگونه حوادث ناگوار در سطح راه‌های استان نباشیم.

نگردد، او از تمام ابزارهای مطبوعاتی و لابی هایش بعنوان یک روزنامه نگار در قدرت استفاده کرد تا این طرح ضد محیط زیستی را در نطفه خفه کند. برای این هدف بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی فعال کرد و آنها را مدیریت می‌کرد تا افکار سازی کنند. و مسئولین را به عواقب یک طرح نابخردانه و اثرات منفی آن آگاه سازند. وقتی این طرح که با بسیج نزدیک به هزار زن امراه بی با مدیریت او و بند آوردن شاهراه ساری-سمنان در تحصن این زنان نتیجه داد. تمام سیستم‌های شهری و امنیتی در پی طرح این جریان می‌گشتند ولی کسی نشانی از رهبری این جریان نیافت و نهایتاً روستای امراه نجات یافت. مطلبی که در مراسم ترحیم ابوالحسن در حسینیه امراه به زبان محلی بعنوان یک شاهکار از سوی او برای مردم روستایم روایت نمودم طوری که در پایان مراسم همان مردم پیشنهاد کردند به احترام فداکاریهای ابوالحسن برای زادگاهش سنگ مزار یادبودی از او در امراه و در کنار مزار پدر و مادر ما بنا و محلی بنامش در ساری نامگذاری شود.

استاد دانشگاه

از حقایق داشت بگونه ای که ذهن‌های علیل و کم سواد ناظرین مطبوعات قادر به درکش نبودند تا از او بهانه ای گیرند. ابوالحسن فصلی جدید از نوشتن برای مطبوعات را در حوزه تکنوگاری و خبر هنری، نقد موسیقایی و ویژه نگاری در موسیقی نویسی، نگاه مدنی به هنر و کپی رایت در ایران رقم زد، خستگی از دستش فرار می‌کرد و اعتماد بنفوس تسلیم او می‌شد. او بشدت مردمش را دوست داشت و همیشه در کنارشان بود. یک نمونه از شجاعت و حرکت در عرصه عمومی او در روستای زادگاهش امراه در اوایل دهه هشتاد شمسی رقم خورد و آن ماجرای دفن زبانه در روستای زادگاهش امراه بود که مسئولین و شهرداری شهر ساری قصد ساخت محل دفن زبانه این شهر در تاج روستای امراه داشتند که با این اقدام روشن بود که با هر ورزش بادی بوی تعفن روستا را فرامی‌گرفت، طوری که در نهایت راهی جز تخلیه آن روستا باقی نمی‌ماند.

در این رخداد ابوالحسن چون یک روزنامه نگار قهرمان ولی تنها و بی صدا بدون هیچ چشم داشت و گمنام در مقابل همه جریان‌های این اقدام ضد محیط زیستی تا آخر ایستاد تا این توطئه شوم عملی

ابوالحسن یک روزنامه نگار و رسانه ای حرفه ای بود. قلمش همیشه چون شمشیر برا و تیز بود، نقد هایش بی همتا و درست و مناسب افکار سازی می‌کرد. او نمی‌نوشت تا حقوقی دریافت کند، او می‌نوشت چون رسالتش و انسانیتش را در اولویت اول قرار داده بود، او نانخور هیچ گروه و دسته و حزبی در ایران نبود و وابسته به جناح‌های زد و بندی نبود. ابوالحسن منافع و خواست مردمش را در اولویت اول قرار می‌داد، او سنگ صبور سیاسی بود. دلش خون بود از عملکردهای بسیاری از مطبوعات نان خور دولتی، که چشمشان را بر واقعیت‌ها می‌بستند و قلمشان را در خدمت باندهای مخوف و مافیایی نابکار داخلی بکار می‌گرفتند.

ابوالحسن بناگزی سیاست لاکپشتی را در کار روزنامه نگاریش دنبال می‌کرد و دقیق مطلب می‌نوشت، هوش سرشارش در نویسندگی شگفت آور بود، او می‌دانست در نوشتن مطالب از کدام پنجره وارد شود و از کدام دروازه خارج گردد، مطالبش بسیار تحلیلی و معنادار بودند، چون خوب خوانده بود و به اندازه کافی تجربه می‌انداخت و فهم دقیقی

به یاد روزنامه نگار، پژوهشگر، هنرمند، منتقد و کنشگر فرهنگ معاصر:

روزنامه نگار حرفه ای



دکتر مصطفی مختاباد

سید ابوالحسن مختاباد ۲۲ دی ۱۳۴۸ امراه / ۲ بهمن ۱۴۰۱ آمریکا / پدر: سید مهدی / مادر: سلیمه بانو اکبری محسنان مردند و احسان هابمانند ای خنک آن را که این مرکب براند گفت پیغامبر خنک آن را که او شد ز دنیا ماند از او فعل نکو

تکواندوی گلستان از داشتن داور زن بی‌نیاز است

افزایش پیدا کند. وی به میزبانی گلستان از اولین مرحله اردوی تیم ملی کبوردگی نونهالان کشور در این استان اشاره کرد و گفت: این اردو هفته گذشته با هدف هم‌افزایی و ارتقا سطح علمی و فنی نونهالان تکواندو کار گلستان در گرگان و آزادشهر برگزار شد.

به ۳۶ رسیده و بر خلاف سال‌های قبل نیازی به استفاده از داوران استان‌های دیگر برای قضاوت لیگ داخل استان نداریم. وی بیان کرد: طبق توافق با فدراسیون، چند دوره علمی و آموزشی برای ارتقای دانش داوران زن در گلستان برگزار می‌شود تا ظرفیت بانوان استان در این بخش

رییس هیات تکواندو گلستان با تأکید بر استمرار برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و داوران گفت: با برگزاری چهار دوره آموزشی برای کاهش ضعف داوران استانی، تکواندوی گلستان از داشتن داور زن بی‌نیاز است. علی نوری اظهار کرد: تعداد داوران زن تکواندو استان از ۱۸ نفر



آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به برگزاری تبلیغات محیطی سطح شهر (استند) را با مبلغ برآورد اولیه سال اول ۳۸/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۴۹/۶۸۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۸۷/۹۰۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه‌ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهر دار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۴۹۷۵۸



آگهی مزایده عمومی

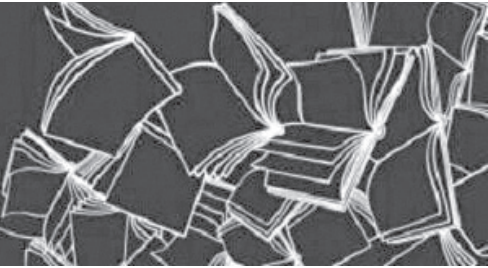


شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به برگزاری تبلیغات محیطی سطح شهر (بیلبورد) را با مبلغ برآورد اولیه سال اول ۳۸/۰۴۹/۶۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۴۹/۴۶۴/۴۸۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۸۷/۵۱۴/۰۸۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه‌ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهر دار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۴۹۷۶۸

ادبیات کوته‌ک و نوجوان



نرگس کوهکن

من از آن دسته آدم هایی هستم که همیشه ی خدا در هر کاری دیر می‌رسیدم؛ و شرمنده ی نگاه خشونت بار دیگران میشدم. جای سرزنش کردن نبود، چون همیشه خودم را جوری راضی می کردم که از دیگران طلب کارم و مدعی میشدم. آن بندگان خدا هم از نگاهشان صرف نظر می کردند و لب می گزیدند. فقط خدا می داند چقدر از کرده شان پشیمان می شونم و خدا عالم است که در دلشان چقدر به من بد و بیراه می گویند. تمام این چیزها را از نگاهشان کشف کردم و بازگو میکنم. بماند تا قصه ی اصلی روزگارم را تعریف کنم. قصه ی همیشگی من و طلبکار بودنم از دیگران که البته درس عبرتی هم برایم شد. به قول معروف انسان جایز الخطاست و مهم این است که انسان از اشتباهاتش درس بگیرد. من هم که کاملاً عاشق و دیوانه ی درس گرفتمم و از بد شانسی اشتباه میکردم و دوباره تکرارش میکردم و شرمنده ی احوالاتم می شدم. روزی که تمام برنامه ها چیده شده بود تا مامان جون -مادر بزرگم یعنی مامان بابا- را سورپرایز کنیم. من جناب عالی مقام! مثل یک ماهی سرخوردم و تمام بساط به هوا رفت. وقتی بلند شدم پا دهان باز همه رویه رو شدم که می گویند: «نه! ولی آره! با نگاه پر خشونتشان خوب می دانستم چطور کنار بیایم و طبق معمول از راهش وارد شدم. خب تقصیر من نبود اگر می دانستم یک کیک بزرگ و قشنگ تر میخریدم. اگر میدانستم که الان جشن است با شکوه تر برگزار میکردم. اگر به من زودتر گفته بودین بیشتر مراقب بودم. اگر دیرتر می فهمیدم بهترین کادو را می خریدم. تقصیر شماست که ده پایی را جلوی پای من می اندازید.

مامان طوری که معلوم بود فشار زیادی را تحمل می کند، گفت: «نسیم جان! یادت نمیدانم اینو خودت گذاشتی اینجا بهت گفتمم بردار گفتمی باشه بعدا» همین شد که به طرز فجیعی جلوی مهمانان حیثیت ام بر باد رفت، و انگار روی سر همه علامت سوال بزرگی است که منتظر جواب هستند. من بیخوا هم بی جواب ماندم و فهمیدم طلبکار و مدعی بودن دیگر به کار نمی آید از در دیگری وارد شدم و با دست و صورت کبکی مادر جون را بوسه زدم و گفتم: «تولد هفتاد سالگیتون مبارک!» متوجه خرابکاری دوم زمانی شدم که فهمیدم عدد روی کیک شصت و شش را به من چشمک میزند. چشمان درشت مادر جون بد جوری دو دو میزد و همان نیمچه آبرویم هم بر باد رفت. اما من با پشت کاری که داشتم باز هم ناامید نشدم سعی کردم به نحوی خرابکاری ام را جبران کنم. تا اینکه به ذهنم رسید یک دسته گل خیلی بزرگ برای مادر جون بخرم. فردا شد و من به گل فروشی رفتم از آنجایی که شپش هم در ته ته جیبم تره خرد نمی کرد؛ دوشاخه گل گرفتم و به مادر جون هدیه کردم. خیلی خوشحال شد و من در چشمان شگفت زده اش همه ی آن خوشحالی را دیدم از آن روز به خودم قول دادم به جای طلبکار بودن متعهد باشم.



سید مرتضی حسینی

صبح یک روز بهاری وقتی روباه کوچولو از خواب بیدار شد در محل زندگی خودش نبود. با تعجب به دور و بر نگاه کرد. در کنار برکه ای کوچک قورباغه ای در حال قور قور کردن بود. روباه کوچولو از او پرسید: «تو می دانی اینجا کجاست؟»

قورباغه گفت: «قور قور اینجا جنگل بلوط است». روباه خوشحال شد؛ چون دوست داشت به جنگل بلوط بیاید. در جنگل درخت های بزرگ بلوط بود ناگهان سنجابی را دید که کلی بلوط را چال کرده است. رفت تا یکی را بردارد که یک بلوط گنده خورد توی سرش. دور و برش را نگاه کرد. دید سنجاب پیری با عصبانیت به او نگاه می کند. سنجاب گفت: «ایا بلوط های من چه کار داری؟» روباه گفت: «سلام من روباه هستم اینجا گم شدم». سنجاب گفت: «حالا اون رو بخور و بیا بالا تا با هم چایی شیرین بخوریم». خلاصه بچه ها روباه قبول کرد. وقتی روباه کارش تمام شد، رفت تا به راهش ادامه دهد. در راه که دیگر شب شده بود دو خرس را دید. گفت: «امیشه برای امشب در خانه ی شما بخوابم؟» خرس ها گفتند: «بله خوب جای آمدی چون اینجا هتل جنگل بلوط است». روباه یک اتاق را گرفت. صبح که شد از آن دو خرس پرسید: «شما میدانید جنگل روباه ها کجاست؟» گفتند: «اگر همین راهی که آمدی برگردی به جنگل روباه ها می رسی». او برگشت از کنار خانه ی سنجاب رد شد رسید به برکه؛ دید پدر و مادرش دارند صدایش می کنند. بچه ها روباه کوچولو چون خیلی کوچولو بود یادش رفته بود که او با پدر و مادرش به جنگل بلوط آمده بودند.

شست من کجاست؟



سیده فاطمه اعقیلی

این داستان، داستان یک دختر بچه ی چهار ساله است که اسمش سها هست و عاشق خوردن انگشت شستش بود. مادر و پدر سها همیشه سعی داشتند کاری کنند که سها دیگر شست نخورد. اما موفق نمی شدند! انگشت های سها هم از اذیت شدن شست ناراحت بودند اما چه کاری می توانستند کنند؟

شبی که سها خواب بود در عالم خواب متوجه نبود شست شد چون شست کوچولو فرار کرده بود! صبح موقع صبحانه سها گریان از اتاقش بیرون آمد و گفت: «مامان! بابا! شستم گم شده!» مادر و پدر به همدیگر نگاه کردند و گفتند: «نگران نباش شست رو پیدا می کنیم». آنها به دنبال شست سها رفتند. در همان حال شست سها داشت با پروانه ها و حشرات بازی می کرد و حسابی کنیف شده بود. سها نگران شستش بود. نزدیک عصر بود و سها غمگین در اتاق نشیمن نشسته بود. شست سها دلش برای سها تنگ شده بود و به خانه برگشت. سها از دیدن شستش که کنیف بود خنده اش گرفت! و بعد رفت و دستش را شست و تصمیم گرفت اینقدر شست نخورد تا شست بیچاره دیگر فرار نکند.



یادداشت

با جستجویی در اینترنت به اطلاعات دلخواه دسترسی خواهیم داشت. حتی در مسیر همین جستجوها و گردش های اینترنتی گاهی اطلاعات ناخواسته هم مقابل چشمان ما قرار می گیرند و جذبمان می کنند. با خواندن کتاب، دیدن فیلم و روابط خانوادگی و دوستانه، تحصیل در مدرسه و دانشگاه، کم کم به اطلاعاتی از جهان پیرامون دست می یابیم و به این ترتیب با تفکر و درک، با مهارت هایی از طریق تجربه و آموزش به «دانش» می رسیم. اما فراتر از همه این ها «آگاهی» است. به خود بیاندیشید! در چه زمینه هایی دانشی دارید؟ چه اطلاعاتی از هواشناسی، سیاره ها، زمین، خورشید، آب و عناصر دارید؟!

حالا وقتی مادرتان از شما دلگیر است، از کجا می فهمید؟ کدام یک از این دانسته ها به کار می آید؟ چه می کنید تا دلش را دوباره بدست آورید؟ چطور به پدرتان می گویند: «دوستت دارم!» یا دلتنگی از دست دادن مادر بزرگ یا پدر بزرگ چگونه کنار می آید؟! بعضی نکته ها در کتاب و شعر و داستان نیست. دانش و علم فقط وسیله ای برای رسیدن به آگاهی است. شما هم دیدگاهتان را در مورد «آگاهی» بنویسید و با ما در میان بگذارید. یا داستانی بنویسید و در آن به تفاوت دانش و آگاهی اشاره کنید.



فائزه رسولی

من در آن آینه تو را دیدم
به صد جمال تو نازیدم
گفتم چه مهی از آسمانم چیدم
خندید و من در خود خندیدم
باز رفتم که بگویم تا دیدم
غم ناسور را در آینه ام دیدم

مادر بزرگ



فاطمه لاکتراش

موهایم را شانه میزد. چرا نمی توانم موهایم را ببندم! این کش هنوز باید یک دور دیگر بزند تا موهایم سفت و محکم سر جایش بماند. مجبور شدم آن را دوباره باز کنم و از نو شروع کنم. خودم را در آینه نگاه می کردم و بد و بیراه می گفتم که چرا نمی توانم موهایم را ببندم. دوباره رسیدم به همان جایی که کش به دور موهایم نمی افتاد تا اینکه مادر بزرگم صدا زد:

«بیا اینجا دختر ببینم چه میکنی؟»

«مادر بزرگ! نمیتوانم موهایم را ببندم!»

«بیابنشین!»

موهایم را نوازش کرد. شانه ی آبی رنگ خودش که از کودکی تا به حال داشته را روی موهایم کشید. گیره نگین داری را از جیبی که در آن همه چیز برای نوه هایش پیدا می شد، در آورد. موهایم را به بالا هدایت کرد؛ گیره را به موهایم زد و محکم مرا در آغوش گرفت. یک احساسی داشتم که نه می توانم تصور کنم و نه می توانم توصیف کنم. اما حالا او کنار ما نیست. یادآوری خاطراتی که با او داشتم مرا عذاب می دهد و دلتنگ او هستم. اما حیف! او به سفری طولانی و دور رفته است که برگشتی در آن وجود ندارد.

روح شاد مادر بزرگ!

باز آفرینی و نگاهی تازه به روایت های کهن

استاد مکتب قصر



نیلا ایمانی... میان کوچه های تاریک و گل آلود قدم میزد و به بخت بد و بی پولی اش لعنت می فرستاد. نمی دانست چه مشکلی وجود داشت که هیچوقت در زندگی پیشرفت نکرده بود. با برخورد به کیسه ی خسی جلوی





پایش آن را برمی دارد و صدای جیرینگ جیرینگ سکه بلند می شود. با هیجان کیسه را باز می کند و به سکه های طلای درونش خیره می شود و مشغول شمردن آنها می شود: «تا حالا سکه های طلا ندیده بودم!» بعد جای دادن سکه هادر جیبش سمت خانه پا تند میکند و حین دویدن به اطراف نگاه میکند و با خود می گوید: «پولدار شدم بالاخره خدا صدامو شنید.» آن شب بعد گذشت دقایقی که به خانه رسید، دیگر خوشحال نبود. حتی برعکس ذهنش درگیر شد که سکه ها به چه کسی تعلق دارد. شاید کسی بود که نیاز داشت. اصلا شاید راهزنی بود که داشت رد میشد. شاید برای پادشاهی بود. اگر شخصی متوجه میشد که پول ها دست او است صد درصد در میدان شهر به دار آویخته میشد. حالا نه تنها سوال های ذهنش بیشتر شده، بلکه نگران هم بود. باید سقف خانه که آب از آن می چکید را تعمیر می کرد. باید برای خواهر کوچکش لباس نو می خرید. برای مادر مریضش دارو. ولی گویا این راهش نبود. با این پول نه سقف تعمیر میشد و نه لباس در تن خواهرش نو می ماند و نه مادرش خوب میشد. او حس گناه می کرد. بهتر بود سحرگاه به سمت مکانی که پول را پیدا کرده، حرکت کند و شاید صاحبش پیدا شود. فردا صبح به همان مکان برگشت و مشغول پرس و جو شد. دوره گرد که همیشه بر روی زمین می نشست گفت اطلاع نداشته و حتی میوه فروشی هم که در آن ساعت باز بود گفت چیزی را ندیده! با ناراحتی روی زمین نشست و مردی عصایش را جلوی پایش گذاشت و پرسید: «دنبال کسی میگردی؟! پسر سرتکان داد و گفت: «میخواهم بدونم دیروز کاروان دربار از اینجا رد شده؟ ولی انگار هیچکس نمیدونه!» - «بله رد شده! میخواهی ببرمت به قصر»؟

مرد جوان با ناباوری بلند می شود و به پیرمرد کیسه پوش جلویش نگاه میکند: «واقعاراست میگوئی؟ خیلی ممنونم، ممنونم!» زمانی که جلوی دروازه های قصر مرد دستور داد تا نگهبان ها اجازه ی ورود دهند پسر شک کرد. چرا باید به دستور فقیری گوش می دادند؟! با فریاد شادی اهالی قصر از فکر و خیال بیرون می آید و به مرد خیره می شود. مرد پیر در حالی که خدمنتکارها تاج سنگین و برآقی روی سرش می گذاشتند، لیخنه میزند. مرد جوان شگفت زده گفت: «شما! شما... پادشاهین؟! روی پاهایش می افتد و تعظیم می کند. - «عذرخواهی مرا پذیرا باشید سرورم!» مرد دست کمک به سمتش دراز کرده و در بلند شدن کمکش میکند. پادشاه گفت: «امن باید ممنون تو باشم پسر، تو دقیقا همان کسی هستی که برای تعلیم به شاهزاده بهش نیاز دارم!» با ناباوری به اطراف خیره می شود و میگوید: «پادشاه این شبیه یک خواب است! چرا چرا چنین بخششی میکنی؟! شاه بعد نشستن بر روی تخت گفت: «در این دنیا و این زمانه افرادی که با وجود بی پولی بازهم دلسوز و بندهی خدا هستند کم پیدا می شود!» من آن کیسه ی سکه را بر روی زمین انداختم تا استادی برای مکتب قصر پیدا کنم. و استادی برای آموزش به کودکان شهر شما همان شخص هستی. شما همان دلرحمی هستی که می توانی نسل آینده ی ما را به درستی هدایت کنی. در این دوران مهربانی از خشم مهم تر است.»



سیده زهرا علوی نژاد

سیده زهرا علوی نژاد، دانش آموز پایه هشتم از «گر» استان گلستان است. سیده زهرا جان از نویسنده های خوب صفحه ادبیات نوجوان گلشن مهر است. ایشان کار خود را با نوشتن داستان های کوتاه شروع کرده؛ و حالا گاهی شعر هم می نویسند. کاری که این هفته از ایشان می خوانیم، تمرینی از کارگاه نویسندگی است. روایتی را به صورت آهنگین نوشته اند. در ادبیات کلاسیک نمونه هایی از نثر و متون ادبی آهنگین داریم. به عنوان مثال کتاب گلستان سعدی نمونه ای از نثر ادبی است که با استفاده از آرایه سجع به صورت آهنگین نوشته شده است. در کارگاه آموزشی گلشن مهر با هم حکایت هایی از گلستان سعدی را خوانده ایم و در بخش کارگاه نویسندگی داستان هایی را به صورت شعر در آورده ایم. البته این یک کار کلاسی و صرفا تمرینی در نوشتن داستان آهنگین است و ربطی به گلستان سعدی ندارد. اما مطمئنا افرادی که مانند سیده زهرا جان گلستان سعدی را مطالعه کرده اند، شناخت بیشتری نسبت به آرایه سجع و نثر ادبی آهنگین خواهند داشت.

روایت:رها

می دید و می زد دخترک فریاد
آخر شده بود خسته
جانش به لبش رسیده
کسی انگار تمامی درها را به رویش بسته
ناامید بود و پریشان
غم در چشمانش کرده بود آشیان
یعنی چه می شد در پایان
می رسید کسی آیا به فریادش
نه نبود مشکل گشایی برایش
گفت با خود روزهای قدیم بخیر یادش
شنید که کسی کرد صدایش
با خود گفت من که ندارم کسی را
چه کسی است که مرا کرده صدا
کمی کرد مکث رها
که دوباره آمد آن ندا
صدایش بود مانند آهنگ محبوبش زیبا
غم گرفت دلش را
باز افتاد یاد آن یار خویش
گفت دخترک با غم
کیستی چکار داری
گفت آن دختر دیگر
با رها دارم کاری
گفت دخترک قصه
من هستم رها بگو کارت را
چه کسی هستی تو
که گرفته سراغ از ما
دخترک من من کرد
خجالت می کشید
به هر حال او بود که
کمر رها را خمید
رها آمد صبرش به سر
گفت رها به دختر خوش سیما
چه چیزی کشانده تو را به اینجا
برو که ندارم راهی برایت خوش تری تو بی ما
گفت دختر خوش سیما که نمی خواهم چیزی اما
رها پرید وسط حرفش و گفت با غم
اگر داشتم راهی خود را در می آوردم از این چاه
و نمی زدم از غصه های امروز و دیروزی دم
دختر خوش سیما کشید خجالت
سرخ شد لپ هایش
شرمنده شد از خود
حالا فقط دو راه مانده برایش
یادرنیاید صدایش
یا بگوید راستش را و کند ترک محل را
بالاخره لب باز کرد

گفت من پشیمانم رها
گفت رها پشیمانی از چه
مگر کرده ای چه کاری
خب جبران کن برایش
تو که مخالف فکرهای تیره و تاری
دخترک خوش سیما گفت همین هست مشکل
جرمم سنگین است زیادی
رها پاسخ داد
ندارد مشکلی کمک خواستی فقط بزن برایم دادی
می ترسید دختر خوش سیما

ولی نگذاشت ترس بگیرد در بر بدنش را
به هر حال که در هر صورت
می شد همه چیز مشخص در آخر
گفت دختر خوش سیما
من تصادف کردم با خانواده ات
معذرت می خواهم
چه کنم که از بین ببرم غم تازه ات
خودم نبود حواسم
من باعث مرگ آنها شدم
تسلیم می گویم
حالا که به تو گفته ام حس می کنم رها شدم
ببخشید که رفتم از صحنه ی جرم
می ترسیدم بسیار زیاد
آرزو می کردم هر لحظه
مرگ بگیرد سراغ مرا
دوست نداشتم اما طناب دار را
مرگی می خواستم آرام
در رفتم از صحنه و حالا
این هم شد سرانجام
رها شناخت دخترک را
خودش می دانست قضیه را
اما حالا که خانواده اش هستند زیر خاک
چه دلیلی دارد به زندان بیندازند آن دختر بیچاره را
رها خندید با تمامی غم هایش و گفت
خودم می دانستم این را دختر
حالا که شده همه چیز تمام
قسمت ما هم این بود دیگر
کردند دو دختر همدیگره را بغل
با صداقت و همدلی می شود هر مشکلی در آخر حل
شاید سخت باشد اما
از بقیه ی گزینه ها هست بهتر



سحر حسن زاده نوری

مرور گذشته گاهی زیباست، گاهی تلخ، گاهی باعث خوشحالی و گاهی باعث ناراحتی می شود. گاهی وقتی یاد خاطره ای از گذشته می افتیم، به خاطر آن لحظات خوشحال می شویم و دلمان می خواهد به همان ساعت و دقیقه و ثانیه برگردیم، تا دوباره شاهد آن اتفاق باشیم. ممکن است وقتی یاد خاطره ای از گذشته می افتیم، بسیار ما را ناراحت کند و باعث گریه و افسردگی ما شود و به خودمان بگویم ای کاش در آن موقعیت قرار نمی گرفتیم. و ای کاش چنان اشتباه را نمی کردیم. و خیلی ای کاش های دیگر که بی فایده هستند. پس خوب است هنگام تصمیم گیری، تصمیم درست و مناسبی بگیریم و بعد از گذشت زمان باعث پشیمانی نشود و همیشه باعث خوشحالی باشد. ولی اگر اشتباهی در گذشته انجام دادیم نباید حسرت بخوریم بلکه باید از آن درس بگیریم و یادمان باشد هر اتفاقی که می افتد خیری دارد، شاید باعث درس گرفتن ما باشد.



شاهنامه بخوانیم



آزاده حسینی

پیش ترها از اهمیت خرد در شاهنامه فردوسی سخن گفته ایم. کتاب شاهنامه فردوسی سراسر خردورزی و اندیشه است. به یاد دارم که در کلاس استاد ابوالفضل خطیبی، ایشان اشاره داشته اند که در عرفان و ادبیات جایگاه عشق در قلب است؛ اما در شاهنامه فردوسی جایگاه عشق در مغز و سر انسان است.

فردوسی در دیباچه شاهنامه بعد از «ستایش خداوند» به «ستایش خرد» می پردازد و می گوید: کنون تا چه داری بیار از خرد که گوش نیوشنده زو برخوردار و خرد را بهترین نعمت می داند: «خرد بهتر از هر چه ایزد بداد». خرد مانند چشم جان است و بینایی و درک ما از خرد است. یعنی هر انسانی به میزان اندیشه و فکر خود دنیا را می فهمد و میبیند و به درک شادی می رسد.

«خرد چشم جان است چون بنگری تو بی چشم شادان جهان نسپری» اگر از هر دانشی سخنی بشنویم، در همه زمینه های دانش، علمی بیاموزیم؛ تازه متوجه می شویم که درک ما از هستی چقدر کم و کوتاه است، و به دلپذیری دانش و آگاهی پی می بریم و هر لحظه تمایل داریم که بیشتر و بیشتر بدانیم و بیاموزیم. یک لحظه هم دست از آموختن بر نمی داریم و در راه رسیدن به دانایی آرام و قرار نداریم و همیشه بی تابانه خواهان یاد گرفتن هستیم.

ز هر دانشی گر سخن بشنوی از آموختن یک زمان نغوی»
**نغوی: یعنی نیارامی / نغنوبدن یعنی ناغوندن؛ نخوانیدن. غافل نشدن. در مقابل کلمه «غنون» به معنی خوابیدن و آرامیدن. منبع: دهخدا)





خبر

پیش بینی تولید ۲۲۷ هزار تن ذرت علوفه‌ای



رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان از پیش بینی تولید ۲۲۷ هزار تن ذرت علوفه‌ای در گلستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، محمد برزعلی اظهار کرد: پیش بینی می‌شود امسال ۲۲۷ هزار تن ذرت علوفه‌ای در گلستان تولید شود. وی افزود: با این میزان تولید علاوه بر تأمین نیاز دامداران استان می‌توانیم به استان‌های دیگر هم ذرت علوفه‌ای صادر کنیم. به گفته کارشناسان مصرف آب در هر هکتار سطح زیر کشت ذرت علوفه‌ای حدود هفت هزار و ۵۰۰ متر مکعب یعنی نصف مصرف آب برای شالی است. بر این اساس کشت ذرت علوفه‌ای جایگزین مناسبی برای شالی محسوب می‌شود و در هر هکتار حدود ۸۰ میلیون تومان برای کشاورز درآمد دارد. جهاد کشاورزی استان نیز از کشاورزانی که ذرت علوفه‌ای کشت می‌کنند حمایت می‌کند که این حمایت‌ها شامل تأمین بذور و کودهای ریز مغذی است.



کسب رتبه سوم بندرگز در بخش خودمالکی مسکن



فرماندار شهرستان بندرگز از کسب رتبه سوم خودمالکی این شهرستان در نهضت ملی مسکن خیرداد و گفت: ۸۷۰ متقاضی در این بخش ثبت نام کردند. به گزارش روابط عمومی، صابر حسن پور اظهار کرد: شهرستان بندرگز در بخش خودمالکی نهضت ملی مسکن رتبه سوم را دارد. فرماندار شهرستان بندرگز ادامه داد: ۸۷۰ متقاضی در بخش خودمالکی ثبت نام کردند که از این تعداد برای ۲۲۸ واحد انعقاد قرارداد انجام شده است. وی از معرفی ۳۲۸ متقاضی در قالب طرح ویژه ۲۰۰ میلیونی به بانک‌های استان خبر داد و اضافه کرد: از این تعداد ۲۶۵ قرارداد تاکنون امضا شده است. حسن پور به احیای ۹۷ واحد راکد در این شهرستان اشاره کرد و گفت: برای احیای این واحدها ۹۶ میلیارد تومان بودجه هزینه شده است. وی در حوزه رفع تنش آبی از حفر و بهسازی چاه‌های آب در بندرگز خبر داد و گفت: در حال حاضر تولید آب شهرستان ۱۷۶ لیتر بر ثانیه است که در این راستا ۳۷ لیتر کمبود داریم. فرماندار بندرگز خاطر نشان کرد: در سال گذشته یک حلقه چاه حفر شد و امسال هم حفر ۳ حلقه چاه در دستور کار قرار دارد. به گفته وی، بهسازی ۴ حلقه چاه آب هم در دستور کار قرار دارد که به این ترتیب بخش عمده‌ای از کمبود آب جبران خواهد شد.

یک عکس‌العمل روانی ویژه است که به سبب اجتناب‌ناپذیر بودنش، بسیار غیراخلاقی جلوه می‌کند که کسی تو را بابت آن سرزنش‌ات کند، (به حق یا ناحق) اما جای تردید نیست که بی‌ثمر و ناکارآمد است؛ تا هنگامی که مبادی قوه‌ی تشخیصات، در ارتباطی ناخودآگاه با اوست و فرهنگ شخصی «او» بر حالت‌های گوناگون ذهنی تو غالب است، این عقب‌نشینی‌های پیوسته، از «من» تو محافظت نخواهد کرد.

۵

خطای کودکانه‌اش از آنجا نشئت می‌گرفت که می‌پنداشت اتفاق نظر داشتن با انسان‌های فاسد، کوتاه‌مغز و کینه‌ورز بر سر مسائلی پیش پا افتاده و ساده، بر فساد، کوتاه‌مغزی و کینه‌ورزی درونی دلالت می‌کند؛ ریشه‌ی خطای نابخردانه‌اش همین بود و ریشه‌ی خودکشی نجیبانه‌اش نیز همین! به راستی کدام انسان خردمندی به علت علاقه به موز، خود را بوزینه می‌پندارد؟

جان فداکار شما می‌شود، اگر تن‌ام در برابرش ایستادگی نکند. اگر چه این خیرخواهی، آن دلفین خوش‌رو را از آنچه هست فراتر نمی‌برد، هم‌چنان مستحق آن است، زیرا ناخواسته شما را مجاب می‌کند با یک پا ادامه دهید، لنگ‌لنگان بروید و بر دل‌ها نشینید و نیز شما که با یک دست، بی‌صداید، در سکوت بر یکایک لایه‌های روان آدمیان، چیره شوید. و ای بسا اندیشه‌ها که آنان را به فراموشی می‌سپارم تا دلنگشان شوم، هنگامی که دلنگ اندیشه‌های از یاد رفته‌ام.

۳

ناباوری مفرط در کمین روح انسانی می‌نشیند که ایده‌ی برپایی یک انقلاب فکری درونی را دارد. حال آنکه آن ناباوری اگر چه نخستین فرزند است، رسالت‌اش نه پادشاهی، بلکه آموزاندن آنچه ضروری‌ست به شاهزاده‌ی کوچک «آوید» است.

۴

گرچه گریز درونی و گاه غضبناکات از «او»، (در مقام پدیده‌ای روان‌شناختی)

۱
زمانی ما دو ستاره، شانه به شانه در آسمان نشسته بودیم. به ناگاه ماهی نو بر شب چیره شد و نوری نو به ارمغان آورد. بر ما نگریست و گفت: «شما را از این‌همه نشستن چه سود؟ مگر رویای سترگ‌تان این بود؟» برخواستیم و به سوی یکدیگر شتافتیم؛ آیا سرنوشت ما در آغوش کشیدن یکدیگر بود؟ و اگر تقدیر بی‌تقصیر باشد، چه‌گونه بپذیریم که اراده‌ی ما، به سوی مرگ رهنمون‌مان کرد؟ در نهاد ما توان لمس یکدیگر نبود! سرانجام قیام ما نیز نه قرابتی نجیب، که انفجاری مهیب بود! مبادا ستارگان دیگر، سر به سخن ماه و دل به رویای سترگشان بسپارند! مبادا بر خیزند!

گزین گوئی



مهدی فاضل

۲
آه، ای اندیشه‌های جاری در رودهای وجود، چه پاک بوده‌اند دست‌ها و پاهایی که از شما ستانده‌ام تا در دهان دلفین پوچی فرو برم؛ زیباترین فداکاری‌ها را تنها به روح می‌توان دریافت و سراسر روح من به فدای

۹۶۰۰ گلستانی از خدمات توانبخشی هلال احمر بهره‌مند شدند

در تأمین بخشی از هزینه‌های درمانی کمک کنند. وی اظهار کرد: سه مرکز توانبخشی خیرساز دیگر در شهرستان‌های گنبدکاووس، کلاله و علی آباد کنول در حال ساخت و تکمیل است که به زودی با اعتبارات و تجهیزات جمعیت هلال احمر افتتاح و راه‌اندازی خواهد شد.

روانشناسی به مراجعه‌کنندگان خدمات ارائه می‌کند. غریب آبادی گفت: این مراکز طی ۱۶ ماه گذشته به ۹ هزار و ۶۰۰ مراجعه‌کننده، خدمات توانبخشی ارائه دادند. وی افزود: مراکز توانبخشی هلال احمر استان که عمدتاً تأخیر ساز هستند با ارائه خدمات با تعرفه نیمه دولتی سعی می‌کنند به بیماران

مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان از ارائه خدمات مراکز توانبخشی استان به بیش از ۹ هزار و ۶۰۰ مراجعه‌کننده در ۱۶ ماه گذشته خبر داد. به گزارش روابط عمومی، قاسم غریب آبادی گفت: ۱۳ مراکز توانبخشی هلال احمر استان در حوزه‌های فیزیوتراپی، کار درمانی، گفتار درمانی و

مصرف سیر پخته چه خواصی دارد؟

مصرف ۶ حبه سیر پخته در طول ۲۴ ساعت فواید و خواص بی‌نظیری برای بدن دارد و شما را در مقابل بیماری‌ها بیمه می‌کند. به گزارش ایرنا زندگی، قطعاً سیر یکی از سالم‌ترین غذاها روی کره زمین است. این ماده غذایی معجزه‌آسا می‌تواند بیماری‌های متنوعی را درمان کند و همچنین خواص دارویی بسیار زیادی دارد که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این ماده برای کاهش سطح کلسترول خون، کنترل فشار خون پایین و بالا، درمان مشکلات قلبی، تحریک جریان خون، جلوگیری از حملات قلبی استفاده می‌شود. مصرف سیر باعث کنترل کلسترول، جلوگیری از تولید هورمون آنتی‌توتنسیو دو و ریلکس کردن رگ‌های خونی خواهد شد. سیر می‌تواند در طول ۲۴ ساعت به بهبود بدن کمک کند.

به گفته وی پیش‌بینی می‌شود عملیات اجرایی رسمی این طرح در دهه فجر امسال آغاز شود. وی ادامه داد: بهره‌برداری از این طرح سبب تأمین برق استان و ایجاد اشتغال برای جوانان جویای کار و دانش آموخته خواهد شد. راه‌اندازی نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آبادکنول ۵۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق استان در این نیروگاه اضافه می‌شود که بخش عمده‌ای از نیاز مشترکان را تأمین خواهد کرد. سیکل ترکیبی نیروگاه علی‌آبادکنول در سفر اول رییس‌جمهور به استان در سال ۱۴۰۰ مورد تصویب قرار گرفت.

تله‌کابین علی‌آبادکنول در مرحله عقد قرارداد سرمایه‌گذاری است

فرماندار علی‌آبادکنول گفت: مجوز طرح گردشگری ایجاد تله‌کابین علی‌آبادکنول اخذ و آماده عقد قرارداد سرمایه‌گذاری است. به گزارش روابط عمومی، ابراهیم احمدی افزود: این طرح گردشگری توسعه شهرستان علی‌آبادکنول در مرحله بستن قرارداد بین شهرداری و سرمایه‌گذار قرار دارد. احمدی گفت: طرح تله‌کابین علی‌آبادکنول از حدود یک دهه اخیر از سوی مسوولان این شهرستان پیگیری می‌شود که با پیگیری در دولت سیزدهم به نتیجه رسیده است. فرماندار علی‌آبادکنول گفت: اقدام برای ایجاد نیروگاه برق سیکل ترکیبی این شهرستان از محل مصوبه سفر دولت سیزدهم به استان بوده که اکنون اقدام برای عملیاتی شدن آن از جمله عقد قرارداد است.

فواید شنا برای سلامتی

شنا کردن نیازمند این است که عضلات میان تنه، بازوها و پاها را به کار ببرید. عضلات پشت و سربی تان در شنا کاملاً درگیر می شوند.



کمتر کسی است که از شنا در دریا و رودخانه و استخر خاطره‌ای نداشته باشد. اما شنا در واقع فقط یک تفریح نیست. شنا یکی از بهترین ورزش‌های هوازی است که در عین مفرح بودن، یک فعالیت بدنی بسیار مفید تلقی شده و این پتانسیل را دارد تا بدن‌تان را تغییر دهد و سطح فیتنس‌تان را بالا ببرد. به گزارش ایرنا زندگی، شنا کردن برای همه افراد در هر سن و سالی عالی بوده و یک ورزش مهیج و پُرطرفدار با هر سطح فیتنسی می‌باشد. شما می‌توانید شنا را به عنوان تمرینی لذت‌بخش و آرامش‌بخش انجام دهید؛ اما همچنین می‌توانید با افزایش شدت این تمرین آن را تبدیل به ورزشی جدی و مؤثرتر کنید. به هر حال شنا راهی برای حفظ فعالیت بدنی است و می‌تواند بخشی از ۱۵۰ دقیقه‌ای را که توصیه شده باید در هفته ورزش هوازی کنید، پُر کند.

تمرینی برای تمام بدن

شنا تمام عضلات بدن را به کار می‌گیرد و فرقی هم نمی‌کند چه نوع شنایی انجام دهید. شنا کردن نیازمند این است که عضلات میان تنه، بازوها و پاها را به کار ببرید. عضلات پشت و سربی تان در شنا کاملاً درگیر می‌شوند.

کمک به سلامت قلب

ورزش منظم به طور کلی برای قلب مفید است از جمله اینکه فشارخون را پایین می‌آورد، کلسترول خوب را افزایش و التهاب را در بدن کاهش می‌دهد. مطالعه‌ای که روی افراد مبتلا به فشارخون بالا انجام شد، نشان می‌دهد یک برنامه شنا ده‌هفته‌ای منجر شد فشارخون سیستولیک این افراد پایین بیاید. البته مطالعات بعدی نیز همین یافته‌ها را تأیید کردند. هر چند شنا کردن با سرعت تفریحی و راحت هم فوایدی دارد؛ اما طبق تحقیقات، یک برنامه شنا با شدت بالا می‌تواند فشارخون سیستولیک را به میزان چشمگیری کاهش دهد و ضمناً ضربان قلب در زمان استراحت را پایین بیاورد.

بهبود ظرفیت ریه

ریه‌ها عضو مهمی در بدن هستند که طی ورزش نقش بسیار اساسی دارند. ریه‌های شما اکسیژن را به بدن می‌رسانند تا انرژی لازم را داشته باشید و ضمناً کربن‌دی‌اکسید را به عنوان یک فرآورده جانبی از بدن‌تان خارج می‌کنند، اما قلب، اکسیژن را به عضلاتی می‌رساند که واقعاً ورزش می‌کنند. وقتی ورزش

دارد، از جمله افزایش دقت و تمرکز و کاهش ریسک افسردگی. اگر دسترسی به یک استخر مناسب دارید، بهتر است از آن استفاده کنید و به سلامت روح و روان‌تان برسید. تحقیقات نشان می‌دهد شنا در فضای باز می‌تواند سلامت روان را بهتر کند. به هر حال فرقی نمی‌کند کجا شنا می‌کنید؛ شنا در هر محیطی می‌تواند آرامش‌بخش و خوشایند باشد و استرستان را کم کند.

افزایش کیفیت خواب

ورزشی مثل شنا می‌تواند ریسک بیماری‌های مزمن را کم کند، اضطراب را تسکین دهد، وزن سالم را حفظ کند و حتی باعث شود بهتر بخوابید. ورزش هوازی به طور کلی اثر چشمگیری بر کیفیت خواب‌تان دارد و اگر با شدت متوسطی انجام شود می‌تواند خواب عمیق‌تان را بیشتر کند و در نتیجه مغز و بدن‌تان می‌توانند به خوبی بازیابی کرده و انرژی بگیرند.

توصیه‌هایی برای شروع

اگر مشتاقید شنا را به عنوان ورزش شروع کنید، پس توصیه‌هایی برایتان داریم تا

کمک به کنترل وزن

شنا همراه با یک رژیم غذایی متعادل می‌تواند نسخه بسیار مناسبی برای کنترل وزن سالم باشد. شنا اگر با سرعت متوسطی انجام شود تقریباً ۲۷۵ کالری در ساعت می‌سوزاند. اما افزایش شدت تمرین می‌تواند تا ۵۰۰ کالری در همان مدت زمانی بسوزاند. شنا را به طور منظم انجام دادن کلید مؤثر بودن آن است تا نتایج بلندمدت بگیرید و وزن‌تان را خوب کنترل کنید.

کاهش چربی بدن

شنا علاوه بر کالری‌سوزی، چربی‌سوزی هم دارد. در مطالعه‌ای که روی خانم‌های میان‌سال انجام شد، یک گروه به مدت ۱۲ هفته، سه ساعت در هفته شنا می‌کردند و نتیجه این بود که چربی بدنشان کم شده بود. تحقیق انجام شده روی خانم‌های بی‌تحرك نشان داد آنهایی که سه بار در هفته شنا می‌کردند، کاهش وزن بیشتری داشتند و اندازه دور کمر و دور باسن آنها در مقایسه با گروهی که سه بار در هفته پیاده‌روی می‌کردند، کاهش سبکی بیشتری داشت.

بهبود سلامت روان

به طور کلی ورزش در فضای بیرون از خانه فواید زیادی برای روح و روان

می‌کند بدن شما اکسیژن بیشتری مصرف می‌کند و ضربان قلب‌تان در واکنش به این مصرف اکسیژن بالاتر می‌رود. ریه‌های شما مجبورند سخت‌تر کار کنند تا شما طی ورزش خوب نفس بکشید و این ریه‌ها در جواب به ورزش منظم در عملکردهای خود قوی‌تر می‌شوند. در نتیجه ظرفیت ریه‌ها به مرور زمان بیشتر می‌شود. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند ظرفیت ریه شناگرها حتی در مقایسه با فوتبالیست‌ها بیشتر است.

تقویت و خوش‌فرم کردن عضلات

شنا یک ورزش برای تمام بدن است؛ اما بعضی از حرکات در شنا می‌تواند یک سری از عضلات را بیشتر از بقیه درگیر کند. مثلاً کراپ‌پشت، عضلات ران و شکم و سربی را به شدت درگیر می‌کند. شنای پروانه، عضلات دوسر و سه سر بازو و شانه‌ها را کاملاً درگیر می‌کند. کراپ سینه هم بیشتر عضلات پایین‌تنه را درگیر می‌کند. اما همه شناها به خوبی عضلات بدن را به کار می‌گیرند و آنها را قوی‌تر می‌کنند. ضمناً آب به عنوان یک مقاومت عمل کرده و نسبت به هوا مقاومت بیشتری ایجاد می‌کند که این هم امتیاز بیشتری برای افزایش قدرت عضلات است.

فعالیتی کم‌شدت اما مفید

اگر در حال ریکاوری از یک آسیب هستید یا مشکل مفاصل دارید، کم‌شدت بودن ذاتی شنا می‌تواند بسیار به نفع‌تان باشد و شما را فعال نگه دارد. آب با احاطه کردن بدن‌تان مثل یک حامی عمل کرده و هر فشار اضافی بر مفاصل‌تان را برمی‌دارد و شما می‌توانید بدون وارد کردن فشار بیش از حد در آب پیش بروید. خیلی از افرادی که آرتروز یا دیگر عوارض مزمن دارند می‌توانند شنا کنند؛

۹۰ درصد کانال آشور لایروبی شد



مدیرکل بنادر و دریانوردی گلستان گفت: تاکنون ۹۰ درصد کانال آشور پروژه احیاء و علاج‌بخشی خلیج گرگان لایروبی شده است. به گزارش روابط عمومی، نورالله عباسی اظهار کرد: پروژه احیاء و علاج‌بخشی خلیج گرگان مصوبه چهارمین جلسه ستاد هماهنگی و مدیریت تالاب‌های کشور بود. وی تصریح کرد: بر اساس بازدید ریاست محترم جمهور از جزیره آشوراده دستور اکیدی برای اجرای پروژه علاج‌بخشی دادند. عباسی گفت: لایروبی کانال آشور به طول ۹ کیلومتر، عرض میانگین ۲۰۰ متر و عمق ۱.۵ متر اجرایی شد. عباسی ادامه داد: قرارداد این پروژه با قرارگاه خاتم‌الانبیا به عنوان مجری مجموعاً ۵ هزار و ۲۱۰ میلیارد ریال بود که تاکنون ۲۰۰۰ میلیارد ریال پرداخت شده و باقی اعتبار در حال تأمین است. مدیرکل بنادر و دریانوردی گلستان گفت: لایروبی کانال آشور زمینه تسهیل تبادل آب دریای خزر و خلیج گرگان و همچنین امکان تردد شناورهای سبک نظامی، تفریحی و شیلاتی را فراهم می‌آورد.



۱۰۰ تخت به بیمارستان بقیه الله علی آباد اضافه شد

فرماندار شهرستان علی آباد کتول گفت: سال گذشته با کمک وزارت بهداشت حدود ۱۰۰ تخت به بیمارستان بقیه الله علی آباد اضافه شد. به گزارش روابط عمومی، ابراهیم احمدی با اشاره به اینکه در حوزه بهداشت و درمان اتفاقات بسیار خوبی رخ داده است، اظهار کرد: اورژانس علی آباد با زیر بنای هزار و ۴۰۰ متر مربع ۴۱ تخت بستری سرپایی تجهیز شد و اکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وی افزود: دستگاه ام آر آی در بیمارستان بقیه الله علی آباد در هفته دولت به بهره‌برداری خواهد رسید. فرماندار شهرستان علی آباد کتول گفت: با کمک وزارت بهداشت حدود ۱۰۰ تخت به بیمارستان بقیه الله علی آباد اضافه شد. وی از ساخت و تجهیز مرکز جامع سلامت با هزینه بالغ بر ۵ میلیارد تومان خبر داد و گفت: طبقه سوم بیمارستان قائم اکنون تکمیل و به بهره‌برداری خواهد رسید. احمدی از تأمین حدود ۳۳ هزار متر مربع زمین برای اجرای طرح نهضت ملی در علی آباد کتول خبر داد و اظهار کرد: سال گذشته عملیات اجرای ۱۷۰ پروژه در سایت نوده شروع شد که اکنون با ۳۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. وی با بیان اینکه چهار هزار و ۸۰۰ نفر در طرح نهضت ملی مسکن ثبت نام کردند